

بلی = آری

بزرگ همت = بخشنده

ز امرا - امیران، فرمانروایان

* نشسته = توده، تپه

حاجت: نیاز، احتیاج

خلق = مردم

فراهم نهادن = آماده کردن

عمل: کار

گرد آمدن: جمع شدن

داندردی: بخشندگی، مردانگی

به حاجتی: برای کاری

برتر: بهتر، بالاتر

* حکایت: سخن کوتاهی که پند و اندرز را بیان می کند

* بساط: سفره

* لک: تار: نوشته ها

ارامگاه: قبر، مزار

* احادیث: سخنان بزرگان دین * سخنان پیامبران و امامان

خوار: کسی که طرد شده و خوار است

خلینہ : جانشین

حاصل : نتیجہ

شلفتی : تعجب

حفظ : نگہداری

متردہ : محبوب

مجازات : تنبیہ

(مخالف)
رافتخار : سرافلندی

بہمان : میربان

ادامہ دادن : پایان دادن

احادیث : حدیث، محلثہ

(۱۴۹ - ازادہ)
شعر : شاعر، شاعرہ

افتخار : فخر، مفتخر

خلق : خلقت، مخلوق

سفر : سفیر، مسافر، مسافرت

عمل : عامل، عملیات